وقتی دستنوشته تاریخ علی (ع) به یغما رفت

فاضل میبدی، محمد تقی

آشنایی من با آقای«دکتر عبد الحسین زرین‏کوب»از راه آثار طبع‏شده ایشان بود و به یاد دارم‏ نخستین کتابی که از این میراث‏بان فرهنگ ایران و اسلام خواندم،«کارنامه اسلام»بود که می‏توان‏ اذعان داشت تنها کتابی است که از روی دلایل قوی و اسناد متقن،به کارنامهء اسلام در دو قرن‏ اول اسلام پرداخته است و شگفت اینکه استاد زرین‏کوب از راه«بامداد اسلام»به«کارنامهء اسلام» رسیده بود.یعنی از تاریخ اسلام به حقیقت این دین رسیده بود.

یادم است روزی از ایشان پرسیدم جریان اختلاف فکری شما و مرحوم شهید استاد مطهری‏ چیست؟ایشان با اندوهی فراوان خاطره‏ای و حرف‏هایی دربارهء استاد مطهری نقل کردند و سپس‏ گفتند:«استاد مطهری از من خواست تا دربارهء تاریخ اسلام،کتابی بنویسم.خواستهء ایشان جدی‏ بود.من در فکر نوشتن کتاب بودم،که ناگهان جرقه‏ای در ذهنم روشن شد که دربارهء حضرت علی‏ (ع)کتابی بنویسم.»پرسیدم:چرا علی(ع)،پاسخ داد:چون کارنامهء اسلام است.چون علی‏ حقیقت همیشه زنده تاریخ اسلام است.

و پس از آن ایشان مدت دو سال تمام در پی جمع‏آوری فیش و مأخذ و مدارک جهت تدوین‏ کتاب بودند.

اما در سال 1360 عده‏ای از«فرهنگ‏ستیزان»و فرهنگ ناشناسان»به اتاق ایشان در«دانشگاه‏ تهران»حمله بردند و چندین جلد کتاب و از جمله نسخه اصلی و دست‏نویس و تاریخ حضرت علی(ع)»را که در حقیقت«تاریخ اسلام»بود،با خود بردند و تمام کتاب به یغما رفت و ایشان‏ بعدها هرچه تلاش کردند نسخهء دست‏نویس به تاراج‏رفته را به دست آورند،میسر نشد و این در حقیقت لطمه‏ای بزرگ بر این مرد اندیشه و تاریخ اسلام بود.شاید شما ندانید که وقتی زحمات‏ علمی کسی از دست می‏رود،یعنی چه...آن هم کتابی تاریخی که کسی چون زرین‏کوب نوشته‏ باشد.تاریخی تحقیقی،نه یک کتاب تاریخی رونویسی‏شده.

ایشان تمام متون تاریخی و ادبی اسلام را با دقت فراوان از نظر گذرانیده بود و به تعبیر خودش«تاریخ را در ترازو قرار داده بود.»

خاطرم هست روزگاری که در«برنامه هویت»به خیلی از اندیشمندان و از جمله ایشان‏ بی‏مهری شد،هیچ اظهاری به شیوهء اعتراض یا دفاع از خود بروز نداد.ولی تنها و تنها افسوس‏ می‏خورد که چرا با فرهنگ این مملکت این‏چنین بازی می‏شود!

و به نظر می‏رسد از همان زمان دست‏های توطئه‏خیزی در میان است تا اندیشمندان این‏ کشور را،که میراث گرانبهای این مرزوبومند،رودرروی اسلام قرار دهند و تاریخ انقلاب‏ اسلامی را در یک برنامه فرهنگی قرار دهند.

من فکر می‏کنم جریان امثال«سعید امامی»در تهیهء چنین برنامه‏هایی هنوز هم دست داشته‏ باشند.وگرنه کیست که نداند زرین‏کوب‏های نوعی چه مرارت‏هایی برای اعتلای فرهنگ ایران و اسلام کشیده‏اند؟

یکی از نکات بارزی که آقای زرین‏کوب در تاریخ اسلام به آن رسیده بود،تسامح و تساهلی‏ بود که از سوی متفکران مسلمان در راه فرهنگ و تمدن اسلامی اعمال شده بود و ایشان عامل‏ عمدهء گسترش فرهنگ اسلام در جهان را همین تسامح می‏دانست.

دعوت به صلح و آزادی،در جای‏جای ادبیات و نوشته‏های ایشان جلوه داشت و معتقد بودند رکود و انحطاط تمدن اسلامی از زمانی آغاز شد که«تعصب»و«خشونت»،جای تساهل و «مدارا»را گرفت و فرهنگ و تمدن غرب از زمانی شروع به بالیدن گرفت که تعصب‏ها و خشونت‏های کلیسایی کنار رفت و در برابر افکار اندیشمندان،تساهل و مدارا پیشه کرد.

و انسان دردمندی چون زرین‏کوب که تاریخ اسلام را با دقت فراوان خوانده باشد و بر متون‏ آن تسلط و مهارت داشته باشد.البته به حقیقت می‏داند که خشونت و دعوت به سخت‏گیری چه‏ ضربه‏ای بر فرهنگ اسلام وارد کرده است.

افسوس؛دکتر زرین‏کوب یکی از مفاخر فرهنگ اسلام و ایران بودند که به آسانی از دست‏ رفتند.روحشان شاد و هم‏سلوک با بزرگان باد.